

تبیین موانع فراروی جابه‌جایی پایتخت در ایران با رویکردی آمایشی

میرنجف موسوی^{۱*}، مصطفی کیانی^۲

۱. دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
۲. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۴)

چکیده

الگوی نظام حکومتی در ایران متمرکز است. از آنجا که در حکومت‌های متمرکز و تک‌ساخت، امنیت مرکزیت سیاسی (پایتخت) با امنیت کل نظام سیاسی (امنیت ملی) ارتباط مستقیمی دارد، جابه‌جایی پایتخت در ایران از دو منظر اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند: اول سامان‌دهی شهر تهران و تعادل بخشی به نظام شهری و منطقه‌ای کشور و دوم حفظ امنیت سیاسی کشور. جابه‌جایی پایتخت افزون بر ۲۲۰ ساله ایران از تهران به نقطه‌ای دیگر از جمله مباحثی است که همواره طی سال‌های اخیر بدان پرداخته شده است. اما به علل مختلف تاکنون اقدامی عملی در این خصوص صورت نگرفته است. از این رو هدف از نگارش این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی نگاشته شده است، شناسایی موانع و چالش‌های اصلی فراروی جابه‌جایی پایتخت و ارائه راهبردهایی در جهت رفع این موانع است. در این راستا هفت مؤلفه اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اجرایی، اجتماعی - فرهنگی، قانونی و طبیعی - اکولوژیکی در قالب ۵۵ گویه انتخاب و توسط نخبگان دانشگاهی وزن‌دهی شد. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از مدل معادلات ساختاری، نتایج حاکی از آن است که عامل قانونی با ده گویه بیشترین تأثیرات مستقیم (۰/۸۹) و غیرمستقیم و موانع طبیعی - اکولوژیکی با میزان اثر ۰/۳۳ کمترین اثر را بر جابه‌جایی پایتخت گذاشته است. همچنین نتایج مدل تحلیل شبکه برای اولویت‌سنجی موانع نشان می‌دهد نظر کارشناسان، اولویت را به موانع اجرایی داده است که با وزن نهایی ۰/۲۱۸ و نرخ ناسازگاری ۰/۲۲۲ رتبه نخست را در اولویت‌بندی موانع کسب کرده است.

کلیدواژگان

آمایش سرزمین، پایتخت، موانع جابه‌جایی پایتخت، مدل معادلات ساختاری، مدل تحلیل شبکه (ANP).

بیان مسئله

پایتخت‌ها نقش بسیار مهمی در زندگی و رفتار اجتماعی ملت‌ها ایفا می‌کنند. در اولین نگاه پایتخت مرکز تجمع قدرت سیاسی و اقتصادی و به‌عنوان مقرر دولت است. در بیشتر کشورها، پایتخت بزرگ‌ترین شهر نیز هست. با این حال شاید موضوع مهم‌تر این است که پایتخت‌ها منعکس‌کننده شخصیت منحصر به فرد و آرمان‌های جوامع هستند و در نتیجه نقش مهمی را در مشروعیت‌بخشیدن به حکومت بازی می‌کنند (Rawat, 2005:1). همچنین پایتخت مهم‌ترین عنصر ساختار سیاسی فضا با کارکرد و هویت سیاسی اداری و نیز کارکردهای اقتصادی، تجاری و فرهنگی است. این واحد فضایی - سیاسی صرف‌نظر از فلسفه وجودی، ماهیت و کارکردهای سیاسی، اداری، اقتصادی، تجاری، فرهنگی، با توجه به اینکه قانون اقتدار و حاکمیت سیاسی حکومت و نیز تکیه‌گاه اصلی دولت مرکزی به حساب می‌آید و در مقایسه با سایر عناصر سازمان سیاسی فضا از موقعیتی ترجیحی برخوردار است، مورد توجه خاص جغرافیای سیاسی است. پایتخت‌ها به‌عنوان محل تجلی کارکردهای نظام‌های اجتماعی، از اهمیتی درخور توجه برخوردارند و موضوع تغییر پایتخت، انتقال و مکان‌یابی برای محل جدید، موضوعی مرسوم و با سابقه‌ای تاریخی به شمار می‌آید. در این میان، ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر، طی دهه‌های گذشته از این روند دور نبوده و در چندین مرحله اقدام به تغییر و انتقال پایتخت کرده است (قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱). پایتخت سیاسی ایران از دوره مادها تاکنون بیش از ۳۰ بار جابه‌جا شده است. جابه‌جایی پایتخت سیاسی ایران از تهران نیز از زمان جنگ اول جهانی تاکنون چندین بار در مراجع سیاست‌گذاری و قانونگذاری کشور مطرح شده است. مطالعات پایه‌ای انتقال مرکز سیاسی اداری کشور از تهران در سال ۱۳۶۸ آغاز شد. در پی اقدامات صورت‌گرفته، مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس ردیف ۵ بند «و» سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش آمایش سرزمین (مصوب جلسه تاریخ ۱۳۸۸/۰۸/۰۹)، «انتقال مرکز سیاسی در مکان مناسب برای بهبود و اصلاح استقرار جمعیت و فعالیت در کشور تا پایان چشم‌انداز ۱۴۰۴» را تصویب کرد (کمانرودی کجوری، ۱۳۹۲: ۲۲۰). این موضوع از زمان طرح با واکنش موافقان و مخالفان در قالب رسانه‌ها همراه بود. هر دو گروه موافق و مخالف جابه‌جایی پایتخت، بر اهمیت و کارکرد تهران

آگاهی دارند و از دیگر سو پذیرفته‌اند که وضعیت کنونی به‌واسطه وجود تنگناهای موجود، تداوم زیست شهروندان تهرانی را به مخاطره افکنده است و نمی‌تواند ادامه بیابد. با وجود این و با وجود شرایطی که پایتخت سیاسی - اداری ایران (تهران) با آن روبه‌رو شده، به طوری که از طرفی با جذب گسترده جمعیت و سرمایه، الگوی مرکز - پیرامون را تداعی کرده و تعادل‌های منطقه‌ای را برهم زده است و از طرف دیگر بحران شدید زیست‌محیطی را تجربه می‌کند، به دلیل وجود موانع مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، اجرایی، جغرافیایی و...، هنوز اقدام مؤثری به‌منظور انتقال پایتخت سیاسی - اداری از تهران صورت نگرفته است. در کشورهای در حال توسعه پایتخت‌ها به علت تمرکز امکانات و نهادهای عمومی خدمات‌رسانی به مردم با چالش‌های جدی در حوزه اقتصادی که در نهایت به درگیری‌های سیاسی و به‌مخاطره‌افتادن امنیت ملی کشور منجر می‌شود، روبه‌رو شده‌اند. ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. تمرکز مراکز ارائه خدمات عمومی و وزارتخانه‌ها در تهران باعث شده است مردم برای استفاده از این خدمات به تهران مراجعه کنند. در مجموع بخش عمده‌ای از حضور مردم در تهران ناشی از تمرکز بی‌رویه و غیرمعمول مراکز دولتی، خدماتی و عمومی در این شهر است. جمهوری اسلامی ایران نیز برای خارج شدن از بن‌بست اداری ناشی از سیستم بوروکراتیک و متمرکز، به تغییر نظام سیاسی و اداری نیاز دارد. از آنجا که در حکومت‌های متمرکز و تک‌ساخت، امنیت مرکزیت سیاسی (پایتخت) با امنیت کل نظام سیاسی (امنیت ملی) ارتباطی مستقیم دارد (صفوی، ۱۳۹۳: ۲۹۹) و با توجه به نقش و حوزه نفوذ ملی و فراملی کلان‌شهر تهران، به نظر می‌رسد هرگونه پیشامد که کارکرد این شهر را در میان‌مدت و بلندمدت دچار اختلال کند، به بحران مدیریت سیاسی فضا در گستره ملی خواهد انجامید؛ زیرا دست‌کم در صورت رخداد زمین‌لرزه‌ای به بزرگای ۷ ریشتر (صادق‌لو و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹۵) با عنایت به قرارگیری تهران در نزدیکی گسل‌های فعال زمین‌لرزه و با توجه به بافت‌های فرسوده تهران و آسیب‌پذیری آنها در مقابل زلزله، با فاجعه‌ای ملی مواجه خواهیم بود؛ به طوری که پیامدهای شومی را در بر خواهد داشت. حتی اگر از پیامدهای اقتصادی و اجتماعی این رخداد طبیعی چشم‌پوشی کنیم، مسائل امنیتی - سیاسی و تبعات آن بسیار نگران‌کننده خواهد بود. چراکه از طرفی تلفات سنگین انسانی که بسیاری از کارشناسان آن را قریب به شش میلیون نفر اعلام

کرده‌اند ساختار جمعیتی و ساختار سیاسی - اداری کشور را دچار اختلال می‌کند، از طرفی دیگر تجارب جهانی نشان داده است در چنین وضعیتی برخی از کشورهای فرصت طلب به بهانه‌های بشردوستانه مداخلات سیاسی خود را شروع می‌کنند که این مسئله برای نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بسیار حساس و درخور تأمل باشد. نگارندگان مسائل پایتخت را حساس دیده‌اند و تأمل و توجه به موضوع جابه‌جایی پایتخت را ضروری می‌دانند. از این رو در این مطالعه سعی بر شناخت موانع فراروی جابه‌جایی پایتخت و تحلیل آن‌هاست و همچنین راهبردهایی برای کنترل و کاهش مسائل کلان‌شهر تهران، رفع موانع و دستیابی به جابه‌جایی پایتخت موفق در ایران ارائه می‌شود. لذا ادامه تحقیق حول محور سه سؤال زیر و پاسخ‌گویی به آن‌هاست:

۱. مهم‌ترین چالش‌ها و موانع فراروی جابه‌جایی پایتخت در ایران کدام‌اند؟
۲. کدام‌یک از موانع فراروی جابه‌جایی پایتخت دارای اولویت توجه است؟
۳. راهبردها و راهکارهای آمایشی جابه‌جایی پایتخت کدام‌اند؟

مبانی نظری و پیشینه مطالعاتی تحقیق

پایتخت قبل از هر چیزی مرکز کنترل سرزمین و مکانی برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مرکز نمادین دولت به شمار می‌رود (Taylor, 1989: 147). در واقع پایتخت به‌عنوان کانون سیاسی کشور، مرکز جاذبه و نفوذ فضایی جغرافیایی است که دربردارنده عوامل سیاسی، فرهنگی، قومی، تاریخی، اقتصادی، اداری، فنی و ارتباطی است. همچنین پایتخت شهری است که بیشترین تعداد جمعیت و بزرگ‌ترین مراکز اقتصادی و فرهنگی را دارد (به‌فروز، ۱۳۸۰: ۱۹۷). مهم‌تر از همه، پایتخت مرکز اقتدار سیاسی کشور به شمار می‌رود و معمولاً محل استقرار سران سه قوه (مجریه، مقننه، قضاییه)، اعضای آن‌ها، تمامی وزارتخانه‌ها، ادارات دولتی و سفارتخانه‌های خارجی است (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۳۸). با توجه به اهمیت موضوع چپستی و نقش پایتخت، در گذشته جغرافی دانان اقتصادی از نظریه مکان مرکزی بهره گرفته‌اند و به توصیف چگونگی مشارکت پایتخت در توسعه اقتصاد منطقه‌ای پرداخته‌اند. هرچند این نظریه به دلیل تمرکز بیش از اندازه بر تعیین مکان جغرافیایی و بی‌توجهی به عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی نقد و مردود شده است

(Wolfel, 2002) و در ادبیات جدید شهرها، به پایتخت‌ها ورای مرکزی مالی نگریسته می‌شوند. با این حال، پایتخت به‌عنوان کانون سیاسی کشور و مرکز جاذبه و نفوذ، فضایی جغرافیایی محسوب می‌شود و تمامی عوامل سیاسی، فرهنگی، قومی، تاریخی، اقتصادی، اداری، فنی و ارتباطی را در بر می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۸۲). به عقیده‌ی داسر، به محض انتخاب محلی برای پایتخت، آن شهر از زوایای گوناگون رشد می‌کند و به‌واسطه‌ی تجمع قدرت در یک محل، آثار جغرافیایی و اقتصادی عمیقی بروز می‌یابد که بر تمامی عناصر، کنشگران و تعامل‌های میان آن‌ها اثر می‌گذارد (Dascher, 2000). با این اوصاف و به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، پایتخت کشور به‌صورت یک قطب رشد عمل کرده، درصد فراوانی از منابع اعم از مالی و انسانی، کارکردهای مختلف و خدمات متعدد را در خود جذب و تسلط خود را بر دیگر مناطق کشور حفظ می‌کند. اگرچه نفس وجود قطب‌های رشد در کشور باعث عقب‌ماندگی دیگر نواحی نمی‌شود، بلکه رشد و توسعه‌ی اقتصادی را در سطح ملی و منطقه‌ای تحکیم می‌بخشد. ولی تجربیات نشان می‌دهد نحوه‌ی نگرش به توسعه‌ی اقتصادی بر پایه‌ی ایجاد قطب‌های رشد در مراکز شهری بزرگ کشور به‌عنوان ابزار رشد اقتصادی نه‌تنها تأثیرات مفیدی بر رونق نواحی پیرامونی نگذاشته است، بلکه باعث نامتعادلی در توسعه‌ی بین نواحی، تمرکز شدید جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری و نبود توزیع بهینه‌ی امکانات و خدمات در پهنه‌ی سرزمین شده است. تهران با بیش از دو قرن سابقه‌ی مرکزیت اداری - سیاسی کشور و بیش از نیم‌قرن سابقه به حالت کلان‌شهر بزرگ کشور، به‌عنوان قطب رشد برتر، تفوق و برتری خود را در زمینه‌های مختلف حفظ کرده است. تمرکز اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، اداری و خدماتی در تهران زمینه‌ی اشتغال وسیعی فراهم کرده و هم‌زمان با آن، رکود نسبی فعالیت‌ها در نقاط دیگر کشور و برخورداری بیش از پیش تهران از امکانات بهتر خدماتی، به این توسعه‌ی شتابی خاص بخشیده است. حاکمیت این جریان، سیر عقب‌ماندگی سایر نواحی جغرافیایی ایران را موجب شده است و از این رو، شهری انگلی محسوب می‌شود. می‌توان گفت تمرکزگرایی آثار سوء اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی داشته و موجب تمرکز جمعیت در نواحی خاصی از کشور شده است و از پراکندگی توزیع بهینه‌ی منابع و امکانات در پهنه‌ی کشور جلوگیری کرده است (موسوی، ۱۳۸۵: ۱۴۷-۱۴۹). از طرفی گروهی تهران امروز را

غیرقابل سکونت می‌دانند و معتقدند به دلیل تهدید این شهر توسط حوادث طبیعی همچون زلزله، بهترین گزینه حل مشکلات تهران، انتقال پایتخت سیاسی-اداری است. اما برخی دیگر گزینه انتقال پایتخت را راه حل مناسبی نمی‌دانند و هنوز هم به مؤثر بودن راه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای تغییر وضع کنونی شهر تهران امیدوارند. کاهش میزان جمعیت‌پذیری از ۱۲ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر پیش‌بینی شده در طرح تفصیلی به ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر (مطابق طرح جامع شهر تهران) و جلوگیری از ساخت‌وسازهای بی‌رویه برای تنظیم میزان جمعیت‌پذیری، تدابیری است که گروه دوم درصدد اجرای آن برآمده‌اند (بهرامی، ۱۳۹۴: ۱). از دیدگاه جغرافیایی هر مکانی (شهر) آستانه جمعیتی دارد و منابع و امکانات نیز برای پاسخ‌گویی به نیاز ساکنان محدود است. از دیدگاه آمایش سرزمین وجود تعادل و توازن جمعیتی، از اصول اولیه حفظ تعادل‌های منطقه‌ای بوده است. از سوی دیگر بین پایتخت‌ها و جمعیت رابطه علت و علی وجود دارد. به طوری که پایتخت‌ها با وجود امکانات، شرایط اقتصادی مناسب، تجهیزات مناسب و زیاد بودن دسترسی‌ها، نوعی انگیزه و رغبت را بین مردم ایجاد کرده‌اند که موجب مهاجرت‌های روزافزون به پایتخت‌ها شده است. افزایش جمعیت و انفجار جمعیتی پایتخت‌ها، عواقب و پیامدهایی را به دنبال داشته است که گاهی به‌عنوان عامل اصلی برای انتقال پایتخت‌ها مطرح می‌شود (قائد رحمتی و بهمن، ۱۳۹۴: ۳۷۵). فرایند جابه‌جایی و انتقال پایتخت، جریان هدافمند و سازمان‌دهی شده است که بنا به وضعیت کشورهای مختلف از نظر سیاسی - امنیتی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی، باانگیزه و اهداف مختلفی محقق می‌شود. این جابه‌جایی تضمین‌کننده بهبود وضعیت پایتخت کنونی نیست؛ زیرا نمونه‌هایی (اسلام‌آباد، برازیلیا) دیده شده است که بعد از انتقال هم، همچنان بر روند مشکلات آن افزوده شده است؛ در واقع انتقال پایتخت، با تغییر ساختار دولت نیز ارتباط مستقیم دارد (2: schatz, 2003). بنابراین نمی‌توانیم تجربه کشورهای دیگر را در رابطه با انتقال پایتخت، فارغ از دلایل اصلی، مبنایی برای تغییر پایتخت قرار دهیم؛ زیرا روابط سازمان‌ها تنها تا اندازه‌ای به‌وسیله دولت تنظیم می‌شود (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۲).

در زیر به چند نمونه داخلی و خارجی از مطالعات انجام‌شده در این زمینه و نتایج آنها اشاره

می‌شود:

موسوی و باقری کشکولی (۱۳۹۳) در پژوهشی به تحلیل جغرافیایی پیامدهای اجتماعی - اقتصادی جابه‌جایی پایتخت و مدیریت یکپارچه پرداخته‌اند. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری انتقال پایتخت نشان می‌دهد در صورت انتقال پایتخت، تمرکز اقتصادی به دلیل انباشت سرمایه در تهران، در مکان جدید تحقق پیدا نمی‌کند. در مقابل انتقال برخی از کارکردها تأثیر مستقیم (۰/۷۳) و غیرمستقیم (۰/۴۰) زیادی روی سامان‌دهی شهر تهران می‌گذارد. به گونه‌ای که انتقال این کارکردها باعث کاهش تمرکز جمعیتی، ترافیکی، سرمایه و... در تهران می‌شود.

ساداتی میانایی و نعمتی کشتلی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مسئله انتقال پایتخت ایران با استفاده از مدل‌های چندمعیاره»، بر اساس نظریات مقامات سیاسی و مدیران خبره، چند شهر را به‌عنوان کاندیدهای پایتخت در نظر گرفته‌اند و سپس معیارهای مؤثر بر مسئله تصمیم‌گیری درباره مکان پایتخت را دسته‌بندی کرده‌اند. رتبه‌بندی شهرهای کاندید با استفاده از AHP فازی و TOPSIS فازی انجام شده است. نتایج نشان داد سمنان به‌عنوان بهترین جایگزین برای انتقال پایتخت یا دست‌کم برای جابه‌جایی بخشی از مراکز سیاسی، اقتصادی و مدیریتی تهران، به آن شهر پیشنهاد می‌شود.

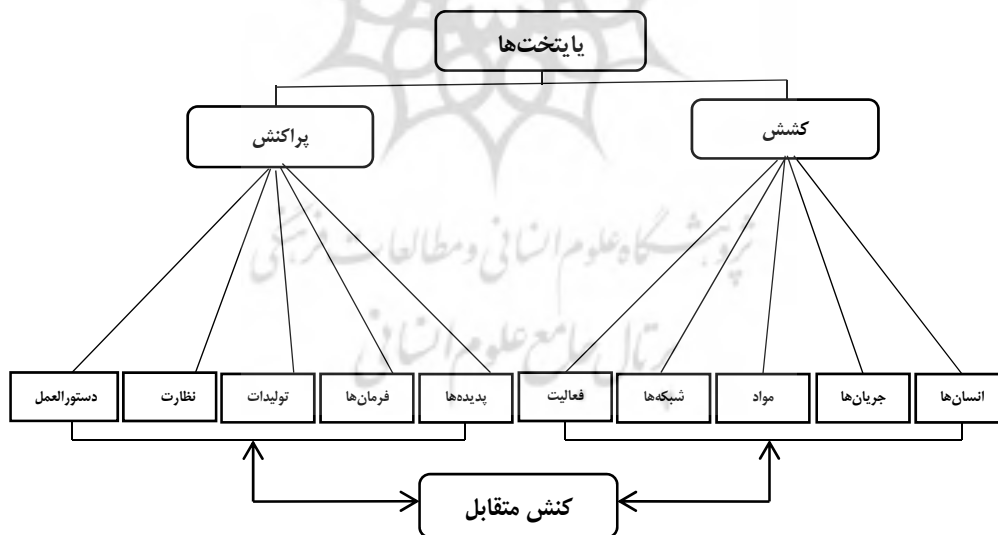
قائد رحمتی و بهمن (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مسئله انتقال پایتخت از نظر شاخص‌های شهرنشینی» بیان کرده‌اند که آنچه انتقال پایتخت را به ضرورت تبدیل کرده است، سرریز جمعیتی تهران و تلاش برای تمرکززدایی از آن و رفع چالش‌ها و موانع زیست‌محیطی و طبیعی است که به‌شدت این شهر را تهدید می‌کند. در این تحقیق وضعیت جمعیتی شهر تهران، در صورت انتقال پایتخت بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد طبق آخرین سرشماری کشور (۱۳۹۰)، تهران حدود ۱۶ درصد از جمعیت شهرنشین کشور را به خود اختصاص داده است. ایشان ابراز می‌دارند با وجود راه‌حل‌های متفاوتی که برای حل مشکلات تهران بدون انتقال پایتخت وجود دارد، ایده انتقال پایتخت همچنان مطرح است.

اریک ایلمان (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان دلایل جابه‌جایی پایتخت و تأثیرات آن، به بررسی کارشناسی روند جابه‌جایی شهرهای پایتخت می‌پردازد. هدف وی ایجاد نوعی گونه‌شناسی از دلایل است که چرا پایتخت‌ها جابه‌جا می‌شوند؟ براساس این مطالعات موردی نتایج نشان می‌دهد

که پنج دلیل برای جابه‌جایی پایتخت‌ها وجود دارد: ۱. اهداف ملت‌سازی؛ ۲. گسترش توسعه منطقه‌ای؛ ۳. مسائل مربوط به شهر پایتخت؛ ۴. برای کاهش تهدیدها و ناآرامی‌ها؛ ۵. تصمیم رهبری (رئیس).

عملکرد اصلی پایتخت‌ها

پایتخت از دو کارکرد ذاتی متفاوت برخوردار است: الف) جذبی و کششی؛ ب) دفعی و پراکنشی؛ یعنی انسان‌ها، جریان‌ها، مواد و شبکه‌ها را به سمت خود جذب می‌کند و پدیده‌ها، فرمان‌ها، دستورالعمل‌ها، عملیات کنترلی و نظارتی، تولیدات و... را در سطح فضای مربوط پخش می‌کند و فضا را به حوزه نفوذ و قلمرو اعمال اراده سیاسی خود تبدیل می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۲). از جنبه کششی و جذبی نمایندگی‌های بانک‌های خارجی و اتاق‌های بازرگانی، به‌خاطر تماس مستقیم و آسان با حکومت، دفاتر خود را در شهر پایتخت برپا می‌کنند (قائد رحمتی و بهمن، ۱۳۹۴: ۳۷۴؛ به نقل از Ponds, 1396). ایجاد اتحاد و برقراری انسجام دولت، کارکرد اصلی یک پایتخت ملی است و همچنین مرکز اصلی اشاعه نفوذ و اقتدار سیاسی و فرهنگی است (همان، به نقل از Cohen, 1968).



شکل ۱. عملکرد اصلی پایتخت‌ها

(مأخذ: قائد رحمتی و بهمن، ۱۳۹۴: ۳۷۴)

مروری بر تجارب کشورهای جهان در انتقال و جابه‌جایی پایتخت یا مراکز سیاسی، اقتصادی

از آنجا که روند شهرنشینی خصوصاً در دهه‌های پایانی قرن بیستم رشد زیادی داشته است، تحولات بزرگی نیز در عرصه شهرنشینی و توسعه فضایی و کالبدی در مناطق بزرگ شهری خصوصاً پایتخت‌های جهان رخ داده است (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۸: ۷). بر اساس تجارب بسیاری از کشورهای جهان، شاید یکی از شیوه‌های مؤثر برای کاهش رشد نامتوازن شهری به‌ویژه وسعت یافتن شهر تهران، انتقال و جابه‌جایی نقش‌های سیاسی، اداری و اقتصادی شهر تهران به سایر نواحی کشور باشد. به نظر عده‌ای از محققان این راهبرد می‌تواند ضمن فراهم کردن شرایط ترمیم ناهنجاری‌های موجود شهر، فرصت‌های کافی را برای توسعه سایر مناطق کشور نیز فراهم کند. کشورهای زیادی در جهان این تجربه را شاهد بوده‌اند؛ همچون استرالیا که توانست فعالیت‌های سیاسی، اداری و اقتصادی را میان شهرهای کامبرا، ملبورن و سیدنی توزیع کند یا بمبئی و دهلی نو در هند یا واشنگتن دی سی نیویورک در ایالات متحده آمریکا که هر کدام این سیاست را عملی ساختند و با این سیاست، فشار ناشی از توسعه شتابان و سریع کشور را از دوش شهرهای اصلی و مرکزی برداشته و فرصت ترمیم آن‌ها را فراهم آورده‌اند (معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، ۱۳۸۹). کمپ بل پایتخت‌ها را در شش طبقه دسته‌بندی و مصادیق آن را تعیین کرده است:

جدول ۱. انواع پایتخت از دیدگاه کمپ بل

نمونه‌ها	انواع پایتخت
باگوتا، کاراکاس، لندن، مادرید، رم، پاریس	پایتخت‌های قدیمی (سستی)
آنکارا، آستانه، لیلنگو	پایتخت‌های جابه‌جاشده
آبوجا، برازیلیا، کانبرا، اسلام‌آباد، نیو دهلی	پایتخت‌های از نوع بناشده
مسکو، اوتاوا، واشنگتن	پایتخت‌های مرکزی
آمستردام / هاگو، لاپاز / سوکر، پرتولیا / بلوم، فونتاین / کیپ تاون	پایتخت‌های دویخشی
جاکارتا، توکیو	پایتخت‌های مجمع‌الجزایری
آبوجا، برازیلیا، کانبرا، مکزیکوسیتی، واشنگتن، نیو دهلی	پایتخت‌های با قلمرو و قدرت واحد

منبع: (Campbell, 2003)

علاوه بر انواع فوق به نوع هشتمی نیز به نام پایتخت هوشمند می‌توان اشاره کرد. این نوع پایتخت حاصل عصر دیجیتال و نفوذ فناوری ارتباطات و اطلاعات (ICT) در توسعه اقتصادی جوامع است که مالزی و پایتخت پوتراجایا در کنار کوالالامپور نمونه‌ای مشخص از آن است (Corey, 2004).

پیتر هال در یک تقسیم‌بندی دیگر انواع پایتخت‌ها را در هفت گونه به صورت زیر برمی‌شمارد: پایتخت‌های چندکارکردی: ترکیب تمام یا بیشتر کارکردهای دارای برترین سطح ملی (مانند لندن، پاریس، مادرید، استکهلم، مسکو و توکیو).

پایتخت‌های جهانی: مورد خاصی از نوع نخست هستند و نمایانگر شهرهایی که عملکردهای فراملی تجاری، سیاسی یا هر دو را ایفا می‌کنند (مانند لندن و توکیو).

پایتخت‌های سیاسی: به مثابه مقرهای حکومتی خلق شده‌اند و اغلب فاقد دیگر کارکردهایی هستند که در شهرهای تجاری قبل خود باقی مانده است (مانند لاهه، بن، واشینگتن، اوتاوا، کانبرا و برازیلیا).

پایتخت‌های پیشین: اغلب معکوس نوع دوم هستند. شهرهایی که نقش خود را به مثابه یک مقر حکومتی از دست داده‌اند، اما دیگر کارکردهای تاریخی‌شان را حفظ کرده‌اند (مانند برلین از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۴، سن پترزبورگ، فیلادلفیا و ریودوژانیرو).

پایتخت‌های امپراتوری قدیم: مورد خاصی از نوع سوم هستند. نماینده شهرهای امپراتوری‌های پیشین که نقش امپراتوری خود را از دست داده‌اند؛ اما همچنان به مثابه پایتخت ملی عمل کرده‌اند و همچنین ممکن است نقش‌های فرهنگی و تجاری مهمی برای قلمروهای امپراتوری پیشین ایفا می‌کنند (مانند لندن، مادرید، لیسبون و وین).

پایتخت‌های ایالتی: نوع خاصی در جوامع فدرال که با نوع سوم هم‌پوشانی دارد. شهرهایی که سابقاً به مثابه پایتخت‌های غیررسمی کار می‌کرده‌اند و برخی اوقات به طور مشترک با پایتخت این نقش را ایفا می‌کردند، اما اکنون این نقش را از دست داده‌اند. اگرچه هنوز هم برای قلمروهای پیرامون خود کارکردهای پایتخت را دارند (مانند میلان، تورین، اشتوتگارت، مونیخ، مونترال، تورنتو، سیدنی، ملبورن). نیویورک در این گروه یک مثال خاص است. تقریباً مثالی منحصر به فرد از پایتخت ایالتی جهانی.

فراپایتخت‌ها: کارکرد مرکز سازمان‌های بین‌المللی را دارند. این پایتخت‌ها ممکن است پایتخت‌های ملی باشند یا نباشند (مانند بروکسل، استراسبورگ، ژنو، رم و نیویورک) (Gordon, 1954: 35).

با توجه به دسته‌بندی فوق، در قرن حاضر در چند کشور، جابه‌جایی یا انتقال مراکز سیاسی به‌عنوان ضرورتی نوین مطرح شده است. هرچند مباحثی مانند جمعیت‌شناختی، جغرافیایی و زیست‌محیطی مبنای بسیاری از دلایل تغییر پایتخت بوده است، با نگاهی دقیق‌تر به جابه‌جایی یا شکل‌گیری پایتخت‌های جدید، روشن می‌شود که این قبیل دلایل نمی‌توانند تمام جنبه‌های علت تغییر را نشان دهند (Schatz, 2000)؛ زیرا در این صورت این سؤال مطرح می‌شود که چرا آرژانتین پایتخت خود را از بوینس آیرس کارمن دی پاگانوس تغییر داده است؟ یا چرا کشوری مثل ژاپن پایتخت خود را از توکیو به سندایی یا ناگويا تغییر نمی‌دهد؟ این در حالی است که توکیو نه به‌دلیل پایتخت‌بودنش، بلکه به دلایلی از جمله موج سوم صنعتی‌شدن، هزینه حمل‌ونقل بین‌شهری، تراکم جمعیتی و مزایای ناشی از آن به‌صورت واحد و یکپارچه قدرت یافته است و از منافع حاصل از تجمع بهره‌مند می‌شود (Darsou, 2000). بنابراین مجموعه دلایل رسمی ذکر شده نمی‌توانند به‌تنهایی علت واقعی و کامل تغییر پایتخت باشند و در کنار این مجموعه دلایل، باید به موضوعاتی مانند تغییر پایه‌های قدرت، تغییر نوع تمرکز، شمولیت فرهنگی و... نیز توجه شود؛ چراکه مباحثی مانند منطقه، فرهنگ، نژاد، تمرکز و بی‌طرفی در تصمیم انتقال پایتخت مؤثر بوده و تصمیم نهایی نتیجه سازشی سیاسی خواهد بود (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۸: ۷).

انتقال پایتخت توسط همه کشورهای مورد مطالعه با ساختار حکومتی متفاوت (متمرکز و غیرمتمرکز) تقریباً به‌طور یکسان تجربه شده است. به‌عبارتی انتقال مرکز سیاسی را نمی‌توان تنها راه تمرکززدایی و کاهش حجم فعالیت در پایتخت دانست، بلکه در نظام‌های حکومتی که بار تصدی دولت بر تمامی امور بسیار سنگین و خارج از عرف جهانی است و نقش بخش خصوصی در اداره امور بسیار ضعیف است نیز انتقال مراکز سیاسی و تصمیم‌گیری به نقطه‌ای دیگر، تا حدود زیادی می‌تواند فشارهای ناشی از تمرکز سیاسی و فعالیتی را کاهش دهد. به‌طور کلی کشورها برای انتقال پایتخت دلایل خاص خود را داشته‌اند. از میان علل عمده انتقال پایتخت، می‌توان به عوامل سیاسی (آلمان)، تقریباً عوامل دفاعی (برزیل، پاکستان، ترکیه و قزاقستان)، عوامل اقتصادی و توسعه منطقه‌ای (برزیل، پاکستان، ترکیه، قزاقستان، آلمان و مالزی)، عوامل نمادین (آلمان و استرالیا) و عواملی ناشی از مسائل محیط زیستی و ملاحظات طبیعی (برزیل و پاکستان) اشاره کرد.

اما آنچه مشخص است، در اغلب کشورهای مورد مطالعه، رشد منطقه‌ای ناشی از انتقال پایتخت چشمگیر بوده است. در جدول زیر، فهرستی از مجموعه کشورهایی با ساختارهای متفاوت است که از سال ۱۹۰۰ میلادی به بعد، پایتخت خود را انتقال داده‌اند:

جدول ۲. کشورهایی که از سال ۱۹۰۰ میلادی به بعد، پایتخت خود را انتقال داده‌اند

ردیف	کشور	سال	از	به	مهم‌ترین دلیل انتقال
۱	ترکیه	۱۹۲۳	استانبول	آنکارا	برخورداری از موقعیت مرکزی و استراتژیک
۲	استرالیا	۱۹۲۷	ملبورن	کانبرا	دسترسی به قلمرو فدرالی وسیع‌تر
۳	موریتانی	۱۹۵۷	سنت لوئیس (سنگال)	نواکچات	برخورداری از قابلیت گلوگاه ارتباطی خارجی
۴	پاکستان	۱۹۵۹	کراچی	اسلام‌آباد	برخورداری از مرکز ثقل جغرافیایی
۵	برزیل	۱۹۶۰	ریودوژانیرو	برازیلیا	برخورداری از قابلیت ژئوپلیتیکی حکومت
۶	بوتسوانا	۱۹۶۱	مافکینگ	گابرون	برخورداری بیشتر و ارزان‌تر از ارتباطی خارجی
۷	مالاوی	۱۹۶۵	زومبا	لیلونگ	خاستگاه قومی حکومت
۸	بلز	۱۹۷۰	بلز سیتی	بلموپان	رفع مشکل آلودگی هوا
۹	تانزانیا	۱۹۷۴	دارالسلام	دودما	برخورداری از عمق استراتژیک و مرکزیت
۱۰	نیجریه	۱۹۷۵	لاگوس	آبوجا	کنترل تفاوت فرهنگی میان اقلیت‌های مختلف
۱۱	ساحل عاج	۱۹۸۳	آبیجان	یاموسکرو	برخورداری از عمق استراتژیک و مرکزیت
۱۲	مالزی	۱۹۹۲	کوالالامپور	پوتراجایا	استفاده از حداکثر ظرفیت اقتصادی کشور
۱۳	آلمان	۱۹۹۹	بن	برلین	برخورداری از نماد فرهنگی و هویتی سابق
۱۴	قزاقستان	۲۰۰۵	آلماتی	آکمولا (آستانه)	برخورداری از عمق استراتژیک

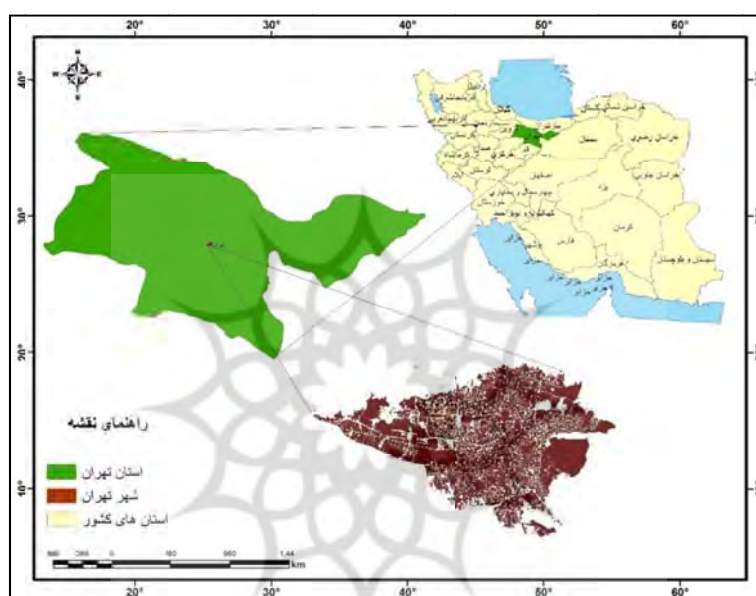
مأخذ: (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۰) و (Rawat, 2005) و (Gilbert, 1989) و (متقی دستنایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۴)

پس از گذشت چندین دهه، توسعه اقتصادی و رشد جمعیت در مناطق مرکزی در ترکیه ناشی از انتقال پایتخت به مناطق مذکور، درخور توجه است. آثار شروع تحولات توسعه در منطقه آکمول-آستانه نیز به واسطه انتقال پایتخت به این منطقه مشهود است. این تحولات نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی و سوق‌دادن جریان توسعه به سمت مناطق کمتر توسعه یافته از طریق انتقال پایتخت می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مهم تأیید شود (داوودپور، ۱۳۸۸: ۶۶). در ایران اما، به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل مطرح‌شدن بحث انتقال پایتخت مسائل امنیتی ناشی از تهدید خطرهای طبیعی (زلزله) است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر تهران با حدود ۶۶۵ کیلومتر مربع وسعت «در ۵۱ درجه و ۰۸ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۷ دقیقه طول خاوری و ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی» (گیتاشناسی، ۱۳۹۳: ۷) و در منتهی‌الیه شمال شرقی دشت قزوین - تهران در محل تلاقی دو محور ارتفاعی مهم البرز و زاگرس واقع شده است. استان تهران از شمال به استان مازندران، از جنوب شرقی به استان قم، از جنوب غربی به استان مرکزی، از غرب به استان البرز و از شرق به استان سمنان محدود است. این موقعیت ریاضی و عمومی، علاوه بر اعتبار منحصر به فرد ژئوپلیتیکی، از شرایط و منابع سرشار زیستی برخوردار است؛ تهران در یک چهارراه کهن سوق الجیشی واقع در تقاطع راه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در امتداد رشته‌کوه‌های البرز (ترکیه، هند، چین) و رشته‌کوه‌های زاگرس (خلیج فارس، شیراز، اصفهان، بین‌النهرین، قصر شیرین، کرمانشاه، همدان) قرار گرفته است. امروزه کلان‌شهر تهران مهم‌ترین منطقه شهری بین استانبول و کراچی است (مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران، ۱۳۸۴: ۲۱). شهر تهران به نسبت سایر شهرهای کشور بیشترین تعداد جمعیت کشور را در خود جای داده است. این شهر در مقابل ۱۳۳۰ شهر به تنهایی ۱۶ درصد جمعیت شهری کشور را به خود اختصاص داده است. تهران ۸,۲۴۴,۵۳۵ میلیون نفر جمعیت ساکن دارد و بزرگ‌ترین شهر غرب آسیا و ۴۲ امین شهر بزرگ جهان است. روزانه حداقل ۱۲ میلیون نفر جمعیت شناور درون و برون شهری دارد و با شهرهای مجاور خود که رشد شتابان و بزرگی‌شان را به خاطر هم‌جواری با

تهران پذیرا گشته‌اند، به صورت یک مگالاپلیس بزرگ درآمده و تسلط خود را بر تمام شبکه سکونتگاهی کشور گسترانده است. تراکم بسیار زیاد جمعیت در واحد سطح و افزایش لحظه‌به‌لحظه‌ای آن از آستانه‌های تحمل و پذیرش شهر فراتر رفته و شهر را به نوعی توده عظیم جمعیتی در فضای کشور تبدیل کرده است.



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی پایتخت در کشور

ترسیم: نگارندگان

مواد و روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های تحت بررسی، رویکرد حاکم بر این پژوهش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. نوع تحقیق از نظر هدف کاربردی - توسعه‌ای است. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفت؛ در بخش مطالعات میدانی پرسش‌نامه‌ای شامل اصلی‌ترین موانع موجود در بحث جابه‌جایی پایتخت که با بررسی پیشینه مطالعاتی موضوع توسط محققان و نظرسنجی از کارشناسان انتخاب شدند، طراحی و پس از

سنجش روایی آن توسط استادان و خبرگان علمی در این زمینه با روش مصاحبه، به‌وسیله ۱۴۰ نفر کارشناس و متخصص از دانشگاه‌های مختلف کشور و نیز دستگاه‌های اجرایی دولتی پاسخ داده شد. جامعه آماری در این تحقیق، نخبگان علمی (استادان دانشگاه و دانشجویان دکترای رشته‌های برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی روستایی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، کارشناسان، متخصصان و مدیران شهری هستند. مؤلفه‌های تحت بررسی، موانع اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اجرایی، فرهنگی - اجتماعی، قانونی و طبیعی - اکولوژیکی فراروی جابه‌جایی پایتخت است که در قالب ۵۵ گویه انتخاب شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه و کمی‌سازی اطلاعات توصیفی، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌منظور مشخص شدن میزان تأثیر هریک از موانع اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... بر جابه‌جایی پایتخت از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. همچنین برای اولویت‌سنجی هریک از مؤلفه‌ها، مدل تحلیل شبکه (ANP) به کار گرفته شد.

بحث و یافته‌های تحقیق

تحلیل مدل معادلات ساختاری اثرگذاری هریک از مؤلفه‌های تحت بررسی بر فرایند انتقال پایتخت در ایران

مدل معادلات ساختاری، به‌عنوان تکنیکی برای توضیح نوعی سیستم ارتباطی بین متغیرهاست، به این ترتیب که در تحلیل مسیر ضریب هم‌بستگی هر متغیر مستقل با متغیر وابسته بر اثر مستقیم آن متغیر مستقل روی متغیر وابسته و تأثیرات غیرمستقیم مزبور از طریق متغیرهای مستقل دیگر روی متغیر وابسته تقسیم می‌شود (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۶). برای انجام این آزمون از نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. بعد از بررسی نظریه‌های تحقیق و ارزیابی مدل مفهومی، با استناد به نتایج اولیه مدل به‌دست‌آمده در لیزرل، عمده‌ترین متغیرهایی که می‌توانستند برای الگوسازی لیزرل مفید واقع شوند، در مجموع هفت متغیر مکنون درونی (مؤلفه‌های ذکرشده) تأثیرگذار بر یک متغیر مکنون بیرونی یعنی موانع جابه‌جایی پایتخت مشخص شدند. بر اساس مدل مفهومی تحقیق (شکل ۲)، این پژوهش ۵۵ متغیر مشاهده‌پذیر دارد که در مجموع هفت مفهوم

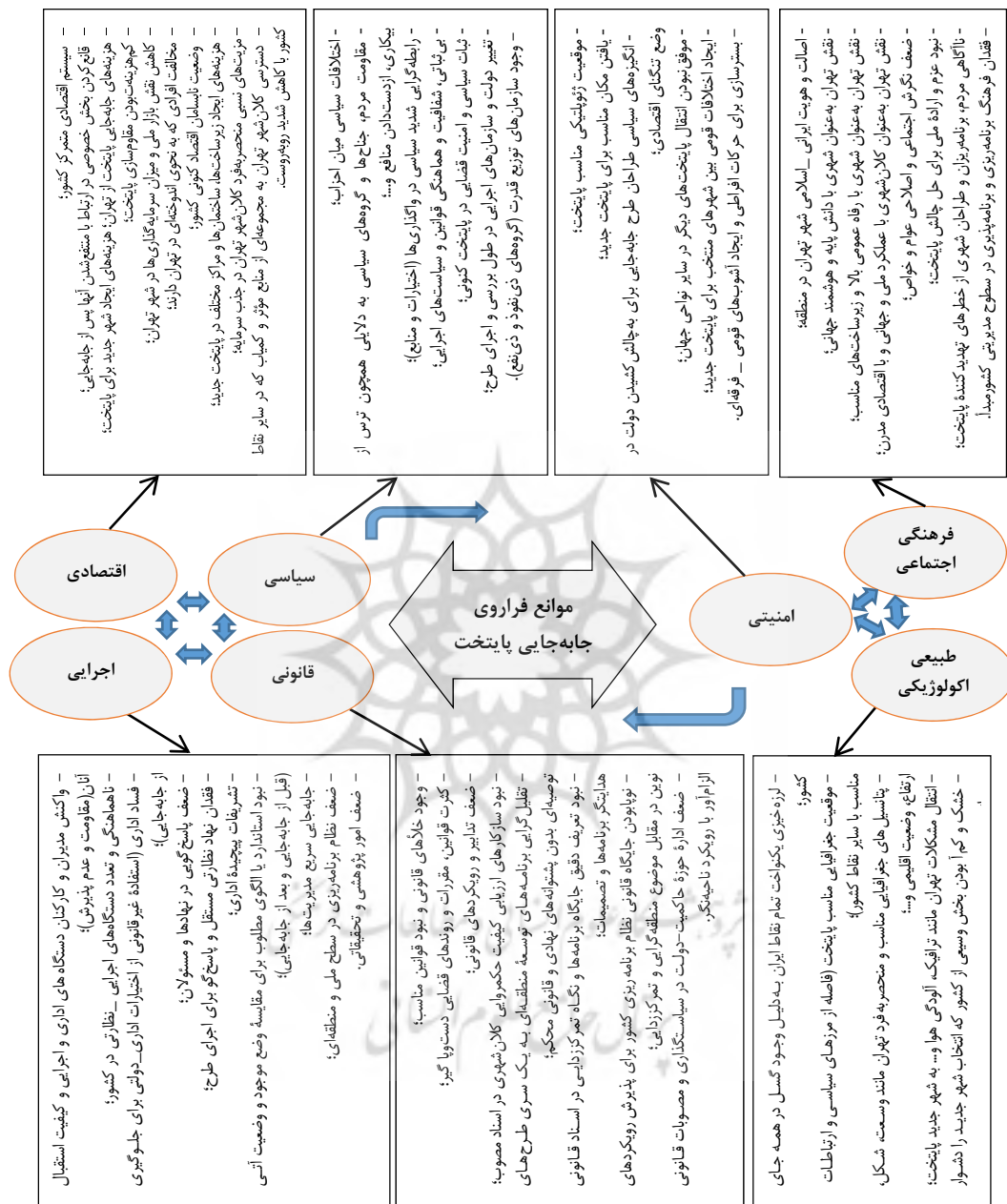
(موانع اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اجرایی، فرهنگی - اجتماعی، قانونی و طبیعی - اکولوژیکی) را اندازه گیری می کنند. برای انجام این آزمون از نرم افزار لیزرل استفاده شده است. که مطابق با اطلاعات جدول ۳ شاخص های برازش الگوی آزمون شده گزارش شده اند، برازش مناسبی با داده های گردآوری شده دارد. این شاخص ها عبارتند از شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI) که مقادیر بیشتر از ۰/۹ نشانگر برازش مناسب الگو هستند، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) که مقادیر بیشتر از ۰/۸ پذیرفته هستند و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA) که مقادیر کمتر از ۰/۰۸ نشانگر برازش مناسب الگو هستند.

جدول ۳. شاخص های برازش برای مدل ساختاری تأثیر متغیرهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و...

در ایجاد موانع فراروی جابه جایی پایتخت

شاخص ها	نام شاخص	مدل اصلاح شده	برازش پذیرفتنی
	سطح تحت پوشش کای اسکور	۰/۰۹	بزرگ تر از ۰/۰۵ درصد
برازش مطلق	نیکویی برازش	۰/۹۲	GFI > ۹۰
	نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۵	AGFI > ۹۰
	برازش نرمال نشده	۰/۹۲	NNFI > ۹۰
برازش تطبیقی	برازش نرمال شده	۰/۸۸	NFI > ۹۰
	برازش تطبیقی	۰/۹۱	GFI > ۹۰
	برازش افزایش	۰/۸۹	IFI > ۹۰
	شاخص برازش نرمال تقلیل یافته	۰/۸۰	بالاتر از ۵۰ درصد
برازش تقلیل یافته	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	۰/۰۶۰	RMSEA کمتر از ۱۰ درصد
	کای اسکور نرمال شده به درجه آزادی	۱/۲۹	۱ تا ۳

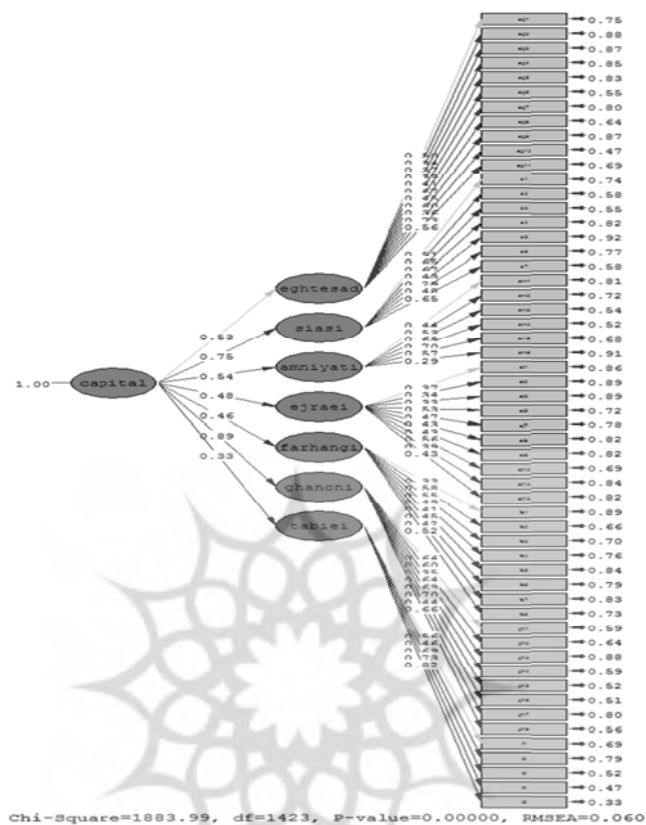
منبع: محاسبات نگارندگان



شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق (موانع اصلی فراروی جابه‌جایی پایتخت در ایران)

منبع: تحقیقات نگارندگان با بهره‌گیری از مطالعات پیشین و نظر کارشناسان و متخصصان ذی‌صلاح

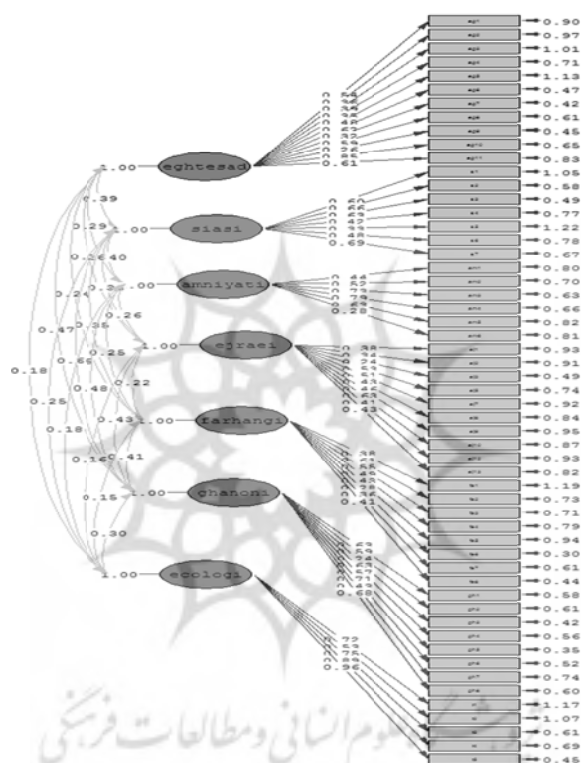
در نمودار ۱ داده‌های مندرج در پیکان اتصال متغیر پنهان به متغیر مشاهده‌شده همان بارهای عاملی استاندارد شده هستند. هرچه بار عاملی بزرگ‌تر و به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد، یعنی متغیر مشاهده‌شده بهتر می‌تواند متغیر مستقل را تبیین کند. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد، رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف‌نظر می‌شود. بار عاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ پذیرفتنی است و اگر بزرگ‌تر از ۰/۶ باشد، خیلی مطلوب است. یافته‌ها بیانگر اعداد معنی‌داری مربوط به مؤلفه‌های جابه‌جایی پایتخت (اعم از بار عاملی و خطاهای آن) و هم‌بستگی بین هفت متغیر مکنون موانع اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اجرایی، فرهنگی - اجتماعی، قانونی و طبیعی - اکولوژیکی است؛ زیرا معنی‌داری اعداد (t-value) از ۱/۹۶ بزرگ‌تر است. همچنین مشاهده می‌شود که هر یک از مؤلفه‌ها بر متغیر موانع فراروی جابه‌جایی پایتخت تأثیرات مستقیمی را به شرح زیر گذاشته‌اند: موانع اقتصادی با اثر مستقیم ۰/۵۳، موانع سیاسی با اثر مستقیم ۰/۷۵، موانع امنیتی با اثر مستقیم ۰/۵۴، موانع اجرایی با اثر مستقیم ۰/۴۸، موانع فرهنگی - اجتماعی با اثر مستقیم ۰/۴۶، موانع قانونی با اثر مستقیم ۰/۸۹ و موانع طبیعی با اثر مستقیم ۰/۳۳ (نمودار ۱). از آنجا که قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به وسیله بار عاملی نشان داده می‌شود و همان طور که قبلاً ذکر شد، اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد، رابطه ضعیف در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت تأثیرات مستقیم مؤلفه‌ها و همچنین تمامی تأثیرات غیرمستقیم متغیرهای قابل مشاهده به جز متغیر پنجم، از عامل سیاسی (ثبات سیاسی و امنیت قضایی در پایتخت کنونی) و متغیر ششم از عامل امنیتی (بسترسازی برای حرکات افراطی و ایجاد آشوب‌های قومی - فرقه‌ای) که با بار عاملی ۰/۲۹، رابطه ضعیفی را برقرار کرده‌اند، معنادار و قوی هستند. در این میان موانع قانونی با میزان اثر مستقیم ۰/۸۹ بیشترین و موانع طبیعی - اکولوژیکی با میزان اثر مستقیم ۰/۳۳ کمترین اثرگذاری را از نظر کارشناسان بر موانع جابه‌جایی پایتخت داشته‌اند. همچنین گفتنی است که متغیر ششم از موانع قانونی (نبود تعریف دقیق جایگاه برنامه‌ها و نگاه تمرکززدایی در اسناد قانونی هدایتگر برنامه‌ها و تصمیمات) با اثر غیرمستقیم ۰/۷۰ بیشترین اثر را در بین موانع قانونی گذاشته است.



نمودار ۱. الگوی تحلیلی همبستگی متغیرها در حالت معناداری

به طور کلی می‌توان گفت که از بین هفت مؤلفه انتخاب‌شده به ترتیب، موانع قانونی، موانع سیاسی، موانع اقتصادی، موانع امنیتی، موانع اجرایی، موانع فرهنگی - اجتماعی و موانع طبیعی - اکولوژیکی اثرگذارترین موانع فراروی جابه‌جایی پایتخت در ایران هستند. نکته درخور توجه در این خصوص، اثرگذاری زیاد موانع قانونی است. طرح انتقال پایتخت در سال ۱۳۸۸ به‌عنوان لایحه قانونی تصویب شد و تصور می‌شد به لحاظ قانونی دچار مشکل نشود. اما نظر کارشناسان و متخصصان گواه واقعیت دیگری است که باید کنکاش شود. از نظر کارشناسان، دلایلی همچون وجود خلأهای قانونی و نبود قوانین مناسب، کثرت قوانین، مقررات و روندهای قضایی دست‌وپاگیر، تقلیل‌گرایی برنامه‌های توسعه منطقه‌ای به یک سری طرح‌های توصیه‌ای بدون

پشتوانه‌های نهادی و قانونی محکم، نبود تعریف دقیق جایگاه برنامه‌ها و نگاه تمرکززدایی در اسناد قانونی هدایتگر برنامه‌ها و تصمیمات، ضعف اداره حوزه حاکمیت - دولت در سیاست‌گذاری و مصوبات قانونی الزام‌آور با رویکرد ناحیه‌نگر، مهم‌ترین و اثرگذارترین موانع قانونی فراروی جابه‌جایی پایتخت است.



نمودار ۲. الگوی تحلیلی تأثیرگذاری مؤلفه‌های انتخابی بر متغیر جابه‌جایی پایتخت در حالت معناداری نمودار ۲ (Y-Model) نتایج و یافته‌های حاصل از تحلیل در مدل ساختاری مربوط به مؤلفه‌های پژوهش را نشان می‌دهد که نوعی هم‌بستگی و ارتباط منطقی و معنادار را در ارتباط مؤلفه‌ها با یکدیگر ایجاد کرده است.

اولویت‌سنجی موانع فراروی جابه‌جایی پایتخت در ایران با استفاده از مدل تحلیل شبکه (ANP)
یکی از اهداف این پژوهش در راستای پاسخ‌گویی به پرسش دوم تحقیق، اولویت‌بندی موانع

فراروی جابه‌جایی پایتخت در ایران است. می‌توان گفت هدف از این اولویت‌بندی شناسایی و توجه به موانع اصلی است که به هر نحوی فراروی طرح انتقال پایتخت قرار دارند. همچنین با شناسایی این اولویت‌ها می‌توان راهبردها و پیشنهادهای مناسبی را در جهت رفع یا کاهش تأثیرات موانع، اتخاذ کرد. در این راستا پس از شناسایی اصلی‌ترین موانع در قالب موانع ذکر شده و وزندهی آن‌ها توسط کارشناسان مربوطه، ابتدا میزان تأثیرات هریک از عوامل و متغیرهای تحقیق مشخص شد. در این قسمت سعی بر اولویت‌بندی این موانع است که مراحل و نحوه کار در ادامه تشریح می‌شود. در این رابطه (اولویت‌بندی) معیارها و شاخص‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اجرایی، فرهنگی-اجتماعی، قانونی و طبیعی - اکولوژیکی در نظر گرفته شد. به گونه‌ای که با ایجاد ارتباط درون‌گروهی و برون‌گروهی بین عناصر و شاخص‌ها، تأثیرات هریک از عناصر در ایجاد موانع فراروی جابه‌جایی پایتخت مشخص شد. مقایسه‌های زوجی و ماتریس مربوط به همه معیارها و خوشه‌ها با استفاده از مقیاس‌های تعیین ارجحیت یا اهمیت در نرم‌افزار ANP مشخص شد. گفتنی است مقایسه زوجی برای تمامی معیارها و گزینه‌ها انجام می‌شود. در جدول ۴ نتایج مقایسه‌های زوجی در مدل شبکه‌ای ANP برای شناخت موانع اصلی بر اساس وزن هرکدام از عوامل مشخص شده است. همان گونه که مشاهده می‌شود، نرخ ناسازگاری قضاوت انجام‌شده برابر با ۰/۰۱۵۴ است. در این روش مقدار ناسازگاری نباید از ۱ بیشتر باشد (جدول ۴).

جدول ۴. اوزان نسبی و نهایی، نرخ ناسازگاری مدل شبکه‌ای ANP

شاخص‌ها	موانع اجرایی	موانع اقتصادی	موانع امنیتی	موانع سیاسی	موانع طبیعی	موانع فرهنگی	موانع قانونی
وزن نسبی	۰/۷۱۹	۰/۶۴۰	۰/۱۸۹	۰/۲۷۵	۰/۱۷۱	۰/۲۲۷	۰/۲۹۵
وزن نهایی	۰/۳۴۷	۰/۲۲۸	۰/۰۵۰	۰/۱۰۷	۰/۰۳۵	۰/۰۷۴	۰/۱۵۶
نرخ ناسازگاری	۰/۰۲۲	۰/۰۱۶۸	۰/۰۱۳۲	۰/۰۱۵۳	۰/۰۱۳۵	۰/۰۱۰۹	۰/۰۱۶۲
نرخ ناسازگاری قضاوت انجام‌شده ۰/۰۱۵۴							

مطابق جدول ۴، وزن نسبی خوشه‌ها از طریق مقایسه ماتریس زوجی به دست آمده است. در ماتریس زوجی نمره aij اهمیت نسبی مؤلفه در سطر i با توجه به ستون j را نشان می‌دهد؛ به عبارتی $aij = wi/wj$ را مشخص می‌کند. سپس مقایسه عناصر داخل هر خوشه شبیه روش AHP انجام می‌گیرد، در گام بعدی وزن نسبی عناصر ماتریس محاسبه و در نهایت عناصر جدول نرمال می‌شوند. با توجه به اینکه برخی عناصر درون خوشه‌ها ممکن است به عناصر سایر خوشه‌ها وابسته باشند، در این صورت با توجه به معیارهای کنترل ماتریس مقایسه زوجی تشکیل شده و عناصر ماتریس دوبه‌دو با هم مقایسه می‌شوند و وزن ماتریس به دست می‌آید و نتیجه وارد سوپرماتریس اولیه می‌شود. سوپرماتریس حاصل از تلفیق ماتریس‌های مختلف، سوپرماتریس اولیه است که جمع عناصر هر ستون سوپرماتریس بیش از یک است. در مرحله بعد، سوپرماتریس نرمال می‌شود و سوپرماتریس حاصل از آن، سوپرماتریس وزنی است. نهایتاً به منظور همگراشدن سوپرماتریس وزنی، عناصر موجود در معیارها آن قدر به توان می‌رسند تا همگرا شوند. در آخرین مرحله با توجه به وزن خوشه‌ها و سوپرماتریس حد وزن عمومی، وزن نهایی معیارها محاسبه شده است که در این مرحله جدول سوپرماتریس حد وزن عمومی برحسب برابری اعداد عناصر در سطرها ذکر نشده و تنها عدد حاصل در جدول ۵ در قالب وزن نهایی بیان شده است.

جدول ۵. اوزان نهایی موانع فراروی جابه‌جایی پایتخت

عنوان	وزن عمومی (ایدئال)	وزن نرمال خوشه‌ها	وزن نهایی
موانع اجرایی	۱	۰/۴۳۶	۰/۲۱۸
موانع اقتصادی	۰/۳۴۱	۰/۱۴۹	۰/۰۷۴
موانع امنیتی	۰/۱۰۸	۰/۰۴۷	۰/۰۲۳
موانع سیاسی	۰/۱۳۱	۰/۰۵۷	۰/۰۲۸
موانع طبیعی - اکولوژیکی	۰/۰۷۳	۰/۰۳۱	۰/۰۱۵
موانع فرهنگی - اجتماعی	۰/۱۴۹	۰/۰۶۵	۰/۰۳۲
موانع قانونی	۰/۴۸۶	۰/۲۱۲	۰/۱۰۶

منبع: محاسبات نگارندگان

نتایج حاصل از مدل تحلیل شبکه نشان می‌دهد به ترتیب، موانع اجرایی با مقدار ۰/۲۱۸، موانع قانونی با مقدار ۰/۱۰۶ و موانع اقتصادی با مقدار وزن ۰/۰۷۴، بیشترین نقش را در جلوگیری و اجرانشدن طرح انتقال پایتخت در ایران به عهده دارند. دیگر موانع شامل موانع فرهنگی - اجتماعی، موانع سیاسی، موانع امنیتی و در آخر موانع طبیعی - اکولوژیکی، در اولویت‌های بعد قرار دارند. همان طور که تصور می‌شد، یکی از مشکلات اساسی فراروی اکثر طرح‌های ملی و منطقه‌ای سیستم ضعیف و تا حدودی ناکارآمد مدیریتی و اجرایی در سطح کشور است. در این تحقیق با تأیید کارشناسان و حتی خود مجریان دستگاه‌های اجرایی به این نتیجه رسیدیم که مشکلات اجرایی در سطوح مختلف، باید برطرف شود تا شاهد اجرای طرح‌های کوچک و کلان مانند طرح انتقال پایتخت باشیم. بسیاری معتقدند بحث اقتصادی و هزینه‌های جابه‌جایی پایتخت در اولویت قرار دارد و چه‌بسا بسیاری معتقدند که به‌جای جابه‌جایی پایتخت، باید به فکر مقاوم‌سازی شهر پایتخت بود؛ چراکه هزینه‌های کمتری را در بر خواهد داشت. به هر حال در این تحقیق شاهدیم که نظر نخبگان دانشگاهی و متولیان دستگاه‌های اجرایی بر این موضوع متمرکز است که ابتدا باید اولویت را در موانع اجرایی دانست و سعی در برطرف کردن مسائل مربوط به آن داشت. همان طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، ضمن مشخص شدن مانع اجرایی به‌عنوان عامل مهم و تأثیرگذار، فاکتورهای مربوط به عامل اجرایی نیز همراه با میزان اولویت، نرخ ناسازگاری و رتبه، در اولویت‌بندی آورده شده است. در این جدول مشخص است که متغیر دهم (اجرایی ۱۰) با نرخ ناسازگاری ۰/۰۵۲ و وزن نهایی ۰/۰۴۲۴ رتبه اول را در اولویت‌بندی شاخص‌های مربوط به موانع اجرایی به خود اختصاص داده است. با بازگشت به مدل مفهومی تحقیق (شکل ۲) می‌توان فهمید که این متغیر ضعف امور پژوهشی و تحقیقاتی را نشان می‌دهد. این مسئله به‌وضوح در مراکز علمی و فرهنگی کشور قابل ملاحظه است؛ اما در عین حال که موضوعی بسیار مهم و ریشه‌ای است، بدان توجه چندانی نمی‌شود. متغیرهای سه، دو، چهار، نه، شش، پنج، هفت و هشت به ترتیب اولویت دارند.

جدول ۶. اولویت اول در تحلیل شبکه و اوزان مربوط به فاکتورهای آن

رتبه فاکتور	اولویت‌های نهایی	نرخ ناسازگاری	فاکتورهای خوشه	اولویت نرخ ناسازگاری	خوشه
۹	۰/۰۰۴۴	۰/۰۲۶	اجرائی ۱		
۳	۰/۰۴۲۴	۰/۰۴۳	اجرائی ۲		
۲	۰/۰۳۲۱	۰/۰۹۱	اجرائی ۳		
۴	۰/۰۱۵۴	۰/۰۹۱	اجرائی ۴		
۷	۰/۰۰۹۶	۰/۰۵۷	اجرائی ۵	۰/۲۱۸	موانع اجرایی
۶	۰/۰۱۲۸	۰/۰۷۶	اجرائی ۶		
۸	۰/۰۰۸۴	۰/۰۵۰	اجرائی ۷		
۱۰	۰/۰۰۳۵	۰/۰۲۰	اجرائی ۸		
۵	۰/۰۱۵۰	۰/۰۸۹	اجرائی ۹		
۱	۰/۰۴۲۴	۰/۰۵۲	اجرائی ۱۰		

منبع: محاسبات نگارندگان

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

همان‌طور که در متن اشاره شد، پایتخت‌ها نقشی بسیار اساسی در زندگی جوامع، چه در بعد مادی و اقتصادی و چه در بعد روانی و اجتماعی، به‌خصوص در جوامع جهان سوم و کشورهای در حال توسعه بر عهده دارند. از آنجا که پایتخت‌ها به‌عنوان مرکزیت سیاسی و اداری کشورها نیز ایفای نقش می‌کنند، جاذبه‌ای بسیار قوی برای کشش سرمایه‌های مالی و انسانی را در ذات خود دارند. به‌دنبال این کشش‌پذیری، پایتخت سیاسی اداری در ابعاد جمعیتی، اقتصادی و... نیز به قطبی جاذب تبدیل شده است و برتری خود را در همه زمینه‌ها اعمال می‌کند. در ایران نیز این نقش را

شهر تهران به‌عنوان پایتخت سیاسی اداری کشور بر عهده دارد. تهران با جای‌دادن جمعیت انبوه و بیش‌ازحد ظرفیت و تمرکزگرایی شدید در همهٔ زمینه‌ها، با مسائل و مشکلاتی زیادی مانند آلودگی هوا، ترافیک سنگین، ناهنجاری‌های اجتماعی و... دست‌وپنجه نرم می‌کند. از طرفی فرارگیری شهر تهران، پایتخت افزون بر ۲۲۰ سالهٔ کشور روی گسل‌های فعال زلزله، نگرانی‌ها را در زمینهٔ خطرهای طبیعی تهدیدکننده، افزایش می‌دهد و بحث جابه‌جایی پایتخت را به مکانی دیگر مطرح می‌سازد. بحث جابه‌جایی پایتخت سیاسی ایران از تهران از زمان جنگ اول جهانی تاکنون چندین بار در مراجع سیاست‌گذاری و قانونگذاری کشور مطرح شده است. مطالعات پایه‌ای انتقال مرکز سیاسی اداری کشور از تهران در سال ۱۳۶۸ آغاز شد. ولی مراجع مسئول در آن زمان «سامان‌دهی تهران» را عملی‌تر و مناسب‌تر تشخیص دادند. اکنون یک‌بار دیگر زمزمهٔ انتقال پایتخت هم از سوی بعضی مسئولان و هم از جانب بعضی کارشناسان دوباره مطرح می‌شود که البته با مخالفت‌ها، چالش‌ها و موانع مختلفی دست‌به‌گریبان است. لذا بحثی که در این تحقیق مطرح و دنبال شد، در زمینهٔ شناسایی مهم‌ترین موانع فراروی جابه‌جایی پایتخت در ایران است. در این راستا ۵۵ متغیر اثرگذار شناسایی و در قالب هفت مؤلفهٔ مهم اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اجرایی، فرهنگی - اجتماعی، قانونی و طبیعی اکولوژیکی انتخاب شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات توصیفی توسط کارشناسان و نخبگان دانشگاهی و تجزیه و تحلیل آن با استفاده از مدل معادلات ساختاری (تحلیل عاملی تأییدی)، مشخص شد که همهٔ مؤلفه‌ها و زیرشاخه‌های آن‌ها با بار عاملی بیش از ۰/۰۳ و مقدار t بیشتر از ۱/۹۶ در ایجاد مانع برای جابه‌جایی پایتخت اثرگذار هستند. در این میان موانع قانونی با تأثیرات مستقیم ۰/۸۹ بیشترین اثر و موانع طبیعی - اکولوژیکی با مقدار ۰/۳۳ کمترین اثر را در این زمینه به جای گذاشته‌اند. همچنین برای اولویت‌بندی این عوامل و موانع از مدل تحلیل شبکه (ANP) استفاده شد که نتایج اولویت را به موانع اجرایی تحقیق داد. با توجه به نتایج تحقیق، نگارندگان برای کنترل و کاهش مسائل فعلی پایتخت و بسترسازی لازم برای جابه‌جایی آن با بررسی و مطالعهٔ ادبیات و تجربیات جهانی در زمینهٔ انتقال پایتخت و نیز بهره‌گیری از نظریات کارشناسان خبره و ذی‌صلاح پیشنهادهایی را ارائه می‌دهد که در زیر بیان شده است:

- بسیاری از مؤلفه‌های تمرکززدایی و طرح‌های توسعه، غیربومی و بیگانه با فرهنگ سیاسی و

اجتماعی ایران است و حتی بسیاری از آنها بومی نشده است؛ لذا به ناکامی‌های تمرکززدایی و توسعه‌یافتگی منجر شده است. بنابراین بومی‌سازی طرح‌ها و تحقیقات و انتخاب مدل اجرایی متناسب با شرایط و فرهنگ کشور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

- سامان‌دهی سیاسی فضا به منظور تمرکززدایی از تهران.

- اجرای صحیح طرح آمایش سرزمین توسط متخصصان مربوطه.

- بهبود وضعیت روستاها، شهرهای کوچک میانی و اشتغال‌زایی متناسب با توانمندی‌های هر منطقه برای جلوگیری از هجوم جمعیت در جست‌وجوی کار به پایتخت.

- ایجاد قوانین جدید و اجرای مربوط به سرمایه (زمین، مسکن، مالیات و...) در پایتخت.

- مدیریت یکپارچه شهری و روستایی با توسل به مشارکت مردم و نهادهای مردمی.

- پراکنده‌ساختن وزارتخانه‌ها، ادارات و مراکز غیرضروری در کشور برای جلوگیری از ازدحام

جمعیت در تهران. در این راه تقسیم فعالیت‌های پایتخت بین چند شهر یا انتقال آن به مکان جدید یا شهری دیگری می‌تواند زمینه کاهش جمعیت برای تهران را فراهم آورد و زمینه را برای تعادل‌های منطقه‌ای فراهم کند.

- وضع قانونی برای منع ساخت کارخانه‌ها در پایتخت و کلان‌شهرها تا شعاع ۱۵۰ کیلومتر. این

قانون که قبلاً در کشور ما تصویب شده ولی عملاً اجرایی نشده است، می‌تواند روند تمرکزگرایی را در پایتخت و دیگر کلان‌شهرها تا حدودی کنترل و کاهش دهد.

- یکی از مسائل عمده‌ای که همچنان گریبان‌گیر طرح‌های توسعه‌ای در کشور است و در این

تحقیق نیز اهمیت آن مشخص شد، ضعف امور پژوهشی و تحقیقاتی در کشور است. در این زمینه پیشنهاد می‌شود مراکز علمی و آموزشی مهم کشور با تدوین برنامه‌ای جامع درخصوص طرح جابه‌جایی پایتخت محققان خود را در ارائه الگویی مناسب و کاربردی، تشویق و حمایت کنند.

- اختصاص بخشی از بودجه کشور در طول دوره‌های مختلف به فعالیت‌های تمرکززدا و ایجاد

بستر لازم برای اجرای طرح.

- تشکیل هیئت اجرایی قوی متشکل از متخصصان رشته‌های مختلف علوم انسانی و طبیعی،

معماران، شهرسازان، مجریان طرح‌های بزرگ، شهرداران و کسانی که به هر نحوی می‌توانند

تصمیم‌ساز باشند، برای به‌عهده‌گرفتن اجرای طرح جابه‌جایی.

- ایجاد و سازمان‌دهی نهاد نظارتی مستقل و پاسخ‌گو برای نظارت بر روند انجام طرح.

- اداره شهرها و رفع معضلات آن‌ها، به‌ویژه شهرهای بزرگ، بدون مشارکت جدی و فعال مردم ممکن نیست. معنای مشارکت هم فقط پرداخت به‌موقع عوارض و مالیات نیست. مردم باید در تصمیم‌گیری برای تعیین سرنوشت شهرهای خود دخالت داشته باشند. بدین منظور شوراهای شهر و سایر نهادهای صنفی و مردمی باید تقویت شوند و زمینه‌های قانونی دخالت مؤثر آنها در اداره امور شهرها هرچه بیشتر فراهم شود.

قدردانی

در تدوین پژوهش حاضر از نظریات ارزنده کارشناسان و متخصصان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی دانشگاه‌ها و ادارات دولتی استفاده شده است که از زحمات و همکاری آنها تشکر و قدردانی می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی؛ موسوی، میرنجف؛ باقری کشکولی، علی (۱۳۹۵). بررسی میزان تأثیرگذاری جابه‌جایی برخی از کارکردهای شهر تهران در سامان‌دهی وضعیت پایتخت در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره ۱، صفحات ۱۶۵-۱۳۶.
۲. بختیاری، سعید (۱۳۸۳). *اتو اطلس تهران و اطراف*، تهران، انتشارات مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، چاپ دوم.
۳. بهرامی، بهشاد (۱۳۹۴). تحریک رشد با انتقال پایتخت، *روزنامه دنیای اقتصاد*، تاریخ چاپ: ۱۳۹۴/۰۷/۰۴، شماره ۳۵۱۷.
۴. بهفروز، فاطمه (۱۳۸۰). *زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷). *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران، سمت، چاپ دوم.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران، سمت، چاپ اول.
۷. ساداتی میانایی، سید ضیاء و رمضان نعمتی کشتلی (۱۳۹۳). تحلیل مسئله انتقال پایتخت ایران با استفاده از مدل‌های چند معیاره، *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری*، سال سوم، شماره ۶، صفحات ۱۲۵-۱۰۳.
۸. صادقلو، سعید؛ کاویانی راد، جواد؛ نظری، محمد (۱۳۹۳). تبیین رویکردهای موجود در انتقال پایتخت، *کتابچه مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و سامان‌دهی پایتخت*، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، صفحات ۲۹۸-۲۹۴.
۹. صادقی، موسی؛ متقی دستنایی، افشین؛ لطفی، حیدر (۱۳۹۳). ابعاد جغرافیای سیاسی مکان‌یابی و انتقال پایتخت در ایران، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۴۸-۱۳۷.
۱۰. صفوی، سیدیحیی (۱۳۹۳). ابعاد امنیتی در سامان‌دهی پایتخت، *کتابچه مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و سامان‌دهی پایتخت*، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، صفحات ۳۰۴-۲۹۹.
۱۱. قائد رحمتی، صفر؛ افشین، بهمن (۱۳۹۳). بررسی مسئله انتقال پایتخت از نظر شاخص‌های شهرنشینی، *کتابچه مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و سامان‌دهی پایتخت*، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، صص ۳۷۲-۳۸۱.
۱۲. کمانرودی کجوری، موسی (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی ساختار سیاسی و اداره سرزمینی ایران: ابعاد،

- زمینه‌ها و الزامات جابه‌جایی پایتخت سیاسی از تهران، فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، سال یازدهم، شماره ۳۸، صفحات ۲۴۲-۲۱۹.
۱۳. گوردون، دیوید (۱۹۵۴). برنامه‌ریزی پایتخت‌های قرن بیستم، مترجمان: غلامرضا کاظمیان، مریم محمد روضه‌سرا، تهران، انتشارات تیسرا، چاپ اول.
۱۴. مرکز مطالعات جغرافیایی شهر تهران (۱۳۸۴). اطلس کلان‌شهر تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۱۵. معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، (۱۳۸۹). راهنمای اجرای مصوبه انتقال از تهران (اهداف، الزامات و فرایندها)، مرداد ۱۳۸۹.
۱۶. موسوی، میرنجف (۱۳۸۵). سنجش درجه توسعه‌یافتگی نواحی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یزد.
۱۷. موسوی، میرنجف و باقری کشکولی، علی (۱۳۹۳). تحلیل جغرافیایی پیامدهای اجتماعی-اقتصادی جابه‌جایی پایتخت در ایران، فصلنامه ژئوپلتیک، سال ۱۱، شماره اول، صفحات ۲۲۷-۱۹۵.
۱۸. میرحیدر، دره (۱۳۸۱). مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم.
۱۹. نوبری، نازک و رحیمی، محمد (۱۳۸۸). تحلیلی بر موضوع انتقال پایتخت سیاسی کشور (با بهره‌گیری از منابع سازمان‌دهی)، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، انتشارات دانش شهر، شماره پنجم.
۲۰. ولی قلی‌زاده، علی (۱۳۸۷). تبیین عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
21. Andrew, C., Taylor, J. (2000). Capital Cities, Special Cities: How to Ensure Their Successful Development, *Plan Canada*, 3(40), 39-38.
22. Campbell, S. (2003), *The Enduring Importance of National Capital Cities in the Global Era*, Urban and Regional Planning Program, University of Michigan.
23. Corey, Kenneth E. (2004). Relocation of National Capitals: Implication for Korea. International Symposium on the Capital Relocation, *Seoul: Seoul Development Institute*:127-42
24. Dascher, K. (2000). *Are politics and geography related? Evidence from a cross-section of capital cities*, *Public Choice*, 105.
25. Datsou, H. (2004). Why Relocation of the Capital Functions of Toko is Undesirable, *International Symposium on the Capital Relocation*, Seoul: Seoul Development Institute:42-1.
26. Davoodpuor, Z. (2009). *The balancing of Tehran*, Department of Housing and Urban

- Development*, Department of Architecture & Urbanism, Office of Architecture and Urban Design.
27. Gilbert, A. (1989). Moving the capital of Argentin: a further example of utopian planning, *cities*, 6(3), 234- 242.
 28. Illmann, E. (2015). *Reasons for Relocating Capital Cities and Their Implications*, Supervisor: PhDr. Michael Romancov, Ph.D. Faculty of social sciences, page 3.
 29. R Rawat, R. (2005). Capital city relocation: Global-local perspectives in the search for an alternative modernity. Unpublished Paper, Department of Geography, *York University, Toronto, Canada*.
 30. Schatz, E. (2003). *When Capital Cities Move: The Political Geography of Nation and State* (No. 303, pp. 1-29). Working Paper.
 31. Taylor, P. (1989). *Political geography: world economy, nation – state, and locality*, New York, Longman Scientific & Technical UK.
 32. Wolfel, R. L. (2002). North to Astana: Nationalistic Motives for the Movement of the Kazakh Capital, *Nationalities Papers*, 3(30), 506-485.

